



قالیباف در جمع رزمندگان حشدالشعبی: ایران و عراق باز هم طعم شکست را به آمریکا خواهند چشاند

۲ ملت یک دشمن

صفحه ۲

آغاز امامت با سعادت منجی عالم بشریت حضرت مهدی موعود (عج) را شاد باشی می گویم

| ۱۱۹۲ سال و یک روز گذشت |

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



صفحه ۲

شنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۵ | ۹ ربیع الاول ۱۴۴۸ | ۲۳۲۱ کسوت ۲۰۲۶ | سال هجدهم | شماره ۴۶۹۰ | ۴ صفحه | ۱۰ هزار تومان

«وطن امروز» گزارش می دهد

بررسی ۶ هدف عملیات رسانه‌ای آمریکا علیه ایران در پرونده هرمز

ترامپ در تنگه روانی

تیتراهای امروز



گزارش «وطن امروز» از افزایش بی‌سابقه هزینه تحصیل در مدارس آمریکا پس از شکست این کشور در جنگ علیه ایران

درس عبرت گران

صفحه ۲

واکنش منفی مردم عراق به شیطننت رئیس مجلس این کشور درباره خلیج فارس

جعل بعثی!

صفحه ۳

از بحران سوئز تا جنگ ایران مقایسه ۲ نقطه عطف تاریخی هژمونی غرب

آمریکا چطور خاورمیانه را باخت

نگاه

مهدی حسینی

نظم آمریکایی در تمام جهان، از جمله در غرب آسیا در حال افول است. مشخصا این نظم که طراحی ایده‌آل‌های آمریکایی‌ها برای اداره منطقه بود، پس از جنگ علیه ایران در وضعیت احتضار به سر می‌برد و آمریکا باید با این واقعیت کنار بیاید؛ این گزاره کلیدی گزارش دوماهنامه آمریکایی «فارن افرز» است.

به گزارش فارن افرز، جنگ علیه ایران و شکست تحریم‌ها نشان داد مطلوب آمریکا برای اداره این منطقه عملا شکست خورده است: «خاورمیانه آمریکایی به پایان راه خود رسیده است. نظم منطقه‌ای که از سال ۱۹۹۱ حاکم بوده، یکی از قربانیان متعدد جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران محسوب می‌شود. ناکامی آمریکا و اسرائیل در سرنگونی حکومت تهران، ورشکستگی دهها تحریم و اعمال خشونت را به اثبات رساند. ناتوانی ایالات متحده در محافظت از متحدان خود در خلیج فارس در برابر حملات ایران یا باز نگه داشتن تنگه هرمز، به توافق امنیتی محوری که توجیه‌کننده شبکه پایگاه‌های نظامی‌اش در منطقه بود، ضربه‌ای مهلک وارد کرد. از سوی دیگر، مواضع روزافزون تهدیدآمیز اسرائیل و کنار گذاشتن هرگونه تظاهر به تمایل برای رسیدن به توافق با فلسطینی‌ها، مأموریت چند دهه‌ای واشنگتن برای گرد هم آوردن متحدان عرب خود و اسرائیل در یک مشارکت امنیتی پایدار را به پایان رساند».

به باور این رسانه، همان‌طور که بحران سوئز یک‌باره به هژمونی بریتانیا پایان نداد، آمریکا نیز از نقطه بی‌ بازگشت عبور کرده و در مسیر از دست دادن هژمونی خود قرار دارد: «در نگاه نخست، شاید به نظر نرسد این جنگ تأثیر چندانی بر ائتلاف‌های شکل‌دهنده نظم آمریکایی داشته است. کشورهای خلیج فارس در مواجهه با جنگی بی‌نتیجه و ایرانی قدرتمندتر، ممکن است خریدهای تسلیحاتی و تقاضای خود برای دریافت تضمین‌های امنیتی تازه را افزایش دهند و بدین ترتیب، توهم تداوم وضع موجود را ایجاد کنند اما در حقیقت، نظم قدیم در حال رنگ باختن و جایگزینی با نظمی جدید است. امروز از بحران سوئز در سال ۱۹۵۶ به عنوان آخرین نفس‌های قدرت امپراتوری بریتانیا و فرانسه در خاورمیانه یاد می‌شود اما سال‌ها طول کشید تا این پایان اجتناب‌ناپذیر فرایند برتری آمریکا نیز بلافاصله از بین نخواهد رفت اما تردیدهای دیرینه‌ای که نسبت به قدرت و اهداف آمریکا شکل گرفته، اکنون از نقطه بی‌بازگشت عبور کرده است.

ادامه در صفحه ۴

ابزارهای سوخته

صفحه ۴

عکس AP

بررسی تجربه صنایع دفاعی به‌عنوان الگویی برای اصلاح نظام تصمیم‌گیری

از دفاع تا توسعه

مدیریت منسجم دولتی دارد اما روابط سالم، شفاف و مأموریت‌محوری را با هزاران شرکت دانش‌بنیان در بخش خصوصی تنظیم کرده است. تجربه توسعه در جمهوری خلق چین نیز همین الگو را تأیید می‌کند: می‌توان یک اقتصاد دولت‌محور پیشرو، کارآمد و عاری از الیگارشی‌های فاسد داشت، به شرط آنکه نظام تصمیم‌گیری از نفوذ دلالان پاکسازی شده باشد. ■ **شورش علیه پارادایم‌ها: نبوغ جنگ نامتقارن** تفاوت دوم در «شجاعت تغییر پارادایم» است. استانداردهای جهانی در توسعه صنایع نظامی، پارادایم‌های سخت‌وحکمی دارد. دکترین نظامی غرب دیکته می‌کند برای برتری استراتژیک، یک کشور حتما باید دارای ناوگان‌های عظیم هواپیمابر و جنگنده‌های رادارگریز نسل پنجم باشد (تجهیزاتی که نیازمند بودجه‌های افسانه‌ای است). به همین دلیل کشورها برای خرید تسلیحاتی مانند «ف ۳۵» یا سامانه تاد رقابت می‌کنند و حاضرند امتیازهای کلان به آمریکا بدهند تا از این تسلیحات برخوردار شوند. این مسیر معمول و متعارف کشورها برای تقویت بنیه نظامی است. اگر سیاست‌گذاران دفاعی ایران می‌خواستند مقلد این پارادایم باشند، امروز ایران یک کشور خلع‌سلاح‌شده بود. اما آنها مسیر توسعه را تغییر دادند و به جای ورود به یک مسابقه تسلیحاتی از پیش باخته در زمین دشمن، «پارادایم نامتقارن» را خلق کردند. آنها با درک دقیق نیازهای داخلی و محدودیت‌های مالی، سراغ توسعه پهپادهای انتحاری، موشک‌های بالستیک، کروزها و قایق‌های تندرو رفتند. نتیجه این پارادایم‌شکنی، تولید امنیت و بازدارندگی حادشکر با هزینه‌های بسیار ارزان بود. آنها در این مسیر، هم دست به بومی‌سازی عمیق زدند و هم بدون تعصب، از تجربیات جهانی و مهندسی معکوس هدفمند بهره بردند؛ چراکه فهمیدن تقلید

کور کورانه به همان اندازه مخرب است که محروم کردن خود از دانش جهانی. ■ **تحریم به مثابه پيش‌شان توسعه** تفاوت ساختاری بعد، در نوع نگاه به مفهوم «تحریم» است. بزرگ‌ترین ضربه‌ای که صنایع غیرنظامی‌ما (بویژه در دهه ۹۰) متحمل شدند، این بود که تحریم را یک «مانع موقت» دیدند و همواره توسعه خود را به مذاکرات، برجام، FATF و لیخند غری‌ها گره زدند. در مقابل، صنایع دفاعی، تحریم را به عنوان یک «واقعیت قطعی و اتمسفر دائم محیط» پذیرفت. وقتی پذیرفتید هیچ‌کس از بیرون مرزها به شما قطعه نخواهد داد، مجبور می‌شوید به ظرفیت‌های درونی اتکا کنید. در همین نقطه بود که درهای این صنایع به روی نخبگان جوان دانشگاهی باز شد. دانشمندان جوانی که در صنایع انحصاری و رانتی غیرنظامی پشت درهای بسته می‌مانند، در صنایع دفاعی جذب شدند، به ایده‌های بلندپروازانه آنها بها داده شد و خلأ تکنولوژیک کشور با مغزهای بومی پر شد. ■ **نرم‌افزار قدرت: ایمان، ایثار و ولایت‌پذیری** در نهایت، کالبدشکافی موفقیت صنایع دفاعی بدون درک «نرم‌افزار فکری و عقیدتی» آن ناممکن است. نیروی انسانی فعال در این حوزه، از تکنیسین‌ها تا عالی‌رتبه‌ترین سرداران نظیر سردار شهید سرلشکر «حسن طهرانی‌مقدم» افرادی ایثارگر و مخلصند که کار در این عرصه را به عنوان یک نردبان برای ثروتماندوزی و جاه‌طلبی‌های شخصی نمی‌بینند، بلکه فعالیت در این حوزه را به مثابه یک جهاد مقدس می‌نگرند. این روحیه جهادی، با یک آگاهی دائم همراه است: آنها همواره به خود یادآوری می‌کنند زمان، زمان صلح خیالی نیست و باید برای رویارویی عملی با دشمن خونخوار

گزارش‌های معتبر بین‌المللی (نظیر مؤسسه سیپری)، بودجه نظامی و دفاعی ایران در سال‌های اخیر رقمی در حدود ۶ تا ۸ میلیارد دلار بوده است. این در حالی است که رژیم سعودی سالانه بیش از ۷۰ میلیارد دلار و رژیم صهیونی (بدون احتساب کمک‌های نجومی و تسلیحات رایگان آمریکا) بیش از ۲۴ میلیارد دلار به ارتش‌های خود تزریق می‌کنند. بنابراین ماشین جنگی ایران با بودجه‌ای به مراتب کمتر از رقبای منطقه‌ای، قدرتی فراتر از آنها تولید کرده است. بهانه «دسترسی آزاد به تکنولوژی» نیز در این بخش کاملا منتفی است. صنایع دفاعی ایران تحت ظالمانه‌ترین، پیچیده‌ترین و چندلایه‌ترین رژیم‌های تحریمی و کنترل صادرات (مانند تحریم‌های کانسا) قرار داشته و دارد. بنابراین موفقیت این بخش، نه ریشه در وفور دلارهای نفتی دارد و نه محصول کیی‌پرداری راحت از بازار آزاد جهانی است. ■ **حکمرانی دولت‌محور: عبور از تله رانت و خصوصی‌سازی اولیه** – و شاید مهم‌ترین – تفاوت صنایع دفاعی با صنایعی نظیر خودروسازی، نفت، پتروشیمی و... در «نحوه مدیریت تعارض منافع» است. در صنایع دفاعی، تا حد ممکن قواعد و روابط به گونه‌ای تنظیم شده که امکان شکل‌گیری شبکه‌های رانتی، حضور افراد طماع و باندهای فساد به حداقل ممکن رسیده است. نکته شگفت‌انگیز این است که مالکیت و مدیریت کلان صنایع دفاعی، کاملا «دولتی و حاکمیتی» است. این واقعیت، ادعاهای اقتصاددانان نولیبرال را که فریاد می‌زنند «هرگونه تصدی‌گری دولتی لزوما به فساد و ناکارآمدی ختم می‌شود و تنها راه نجات، خصوصی‌سازی است» باطل می‌کند. صنایع دفاعی ثابت کرد مشکل اقتصاد ایران، «دولتی بودن» نیست، بلکه «دولتی بودن» آلوده به تعارض منافع» است. صنایع نظامی ما یک



یادداشت

محسن ردادی

۳۱ مرداد روز «صنعت دفاعی» در تقویم رسمی کشور، نمادیکی از پیچیده‌ترین معماهای سیاست‌گذاری عمومی و حکمرانی در تاریخ معاصر ماست. ایران امروز، در میانه «دفاع مقدس سوم»، در نقطه‌ای از بازدارندگی ایستاده که باقدرتمندترین ارتش‌های جهان توازن قدرت ایجاد کرده است. دستاوردهای خیره‌کننده دفاعی ما، از موشک‌های بالستیک نقطه‌زن تا پرتابه‌های پیشرفته «هایپرسونیک» که از غیرقابل نفوذترین سپرهای دفاع هوایی جهان عبور می‌کنند، باعث افتخار و ضامن امنیت ملی ماست. اما دقیقا در همین نقطه، یک پرسش آزاردهنده و استراتژیک در افکار عمومی شکل می‌گیرد: کشوری که می‌تواند در لبه تکنولوژی جهانی، موشک‌هایپرسونیک و پهپادهای رادارگریز بسازد، چرا در صنایع غیرنظامی خود تا این حد ناکام است؟ چرا مغزها و ساختارهایی که پیچیده‌ترین الگوریتم‌های پروازی را طراحی می‌کنند، از ساخت یک خودروی ایمن، کم‌مصرف و پاکبخت (در حد یک خودروی استاندارد جهانی و نه حتی لوکس) عاجز مانده‌اند؟ پاسخ به این شکاف عظیم رانداید در مسائلی چون بودجه یا تکنولوژی جست‌وجو کرد؛ کلد لید این معما، در «مدل حکمرانی و نظام سیاست‌گذاری» نهفته است.

■ **افسانه بودجه‌های نجومی و تکنولوژی‌های وارداتی** برای توجیه ناکلمی صنایع غیرنظامی در برابر موفقیت خیره‌کننده صنایع دفاعی، معمولا ۲ نشانی غلط داده می‌شود: اول «نظامی‌ها بودجه‌های کلان و نامحدود دارند» و دوم «به تکنولوژی‌های خاص دسترسی دارند» اما شواهد خط بطلانی بر هر دو گزاره می‌کشد. بر اساس